

واژگان بی معادل

گویش دزفولی

www.ketabir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شماره کتابشناسی ملی
- عرب، محمدحسن، ۱۳۱۹ -
واژگان بی معادل گویش دزفولی
دزفول: انتشارات دار المومنین، ۱۳۹۴.
۹۸ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.
978-600-5161-30-4
فیپای مختصر
فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
انصاری، محمد مهدی، ۱۳۲۷ -
فرج اله، غلامرضا، ۱۳۴۶ -
۳۸۳۷۵۵۴

واژگان بی معادل گویش دزفولی

نویسندگان: محمد حسن عرب - محمد مهدی انصاری - غلامرضا فرج اله

ناشر: انتشارات دارالمؤمنین

طراح رایانه ای: محمد صفاریور ۰۹۱۶۳۴۱۲۶۶۰

طراح روی جلد: ندا تقریبی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴

چاپخانه: انور

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-5161-30-4

(کلیه حقوق برای انتشارات دارالمؤمنین محفوظ است)

نشانی ناشر: دزفول - خیابان حریت بین ایثار و مفتوح بلاک ۱۴

کد پستی ۶۴۶۱۶۵۷۷۴۴ همراه: ۰۹۱۶۱۴۱۸۰۵۹

پست الکترونیک: Darolmoumenin@yahoo.com



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیش گفتار
۳	ناسیونالیسم فرهنگ
۴	توان ضرب المثل سازی زبان خوزی
۷	مقدمه
۱۰	دستور زبان دزفولی
۱۷	سخن دل

واژگان

۱۸	A: آ
۲۲	B: ب
۲۶	P: پ
۳۰	T: ت
۳۶	J: ج
۳۹	č: چ
۴۳	h: ح
۴۶	x: خ
۴۷	D: د
۵۲	R: ر

54	Z: ز
55	S: س
60	Š: ش
64	S: ص
65	T: ط
66	ā: ع
69	γ: غ
70	F: ف
72	q: ق
75	K: ک
80	G: گ
85	L: ل
88	M: م
91	N: ن
94	V: و
96	H: هـ
98	y: ی

به نام خداوند جان و خرد

پیش گفتار

ممکن است برای خوانندگان گرامی، این پرسش پیش آید، که چه ضرورتی وجود دارد که اهل قلم وقت گران بهای خویش را صرف لهجه و گویش هایی نمایند، که نتوانسته اند آثار ماندگار و مورد استقبال عام از خود به جای بگذارند در حالی که در زمینه ادبیات، مسائلی به مراتب مهم تر وجود دارد، که مورد نیاز است.

در مورد پاسخ به این پرسش، لازم به یادآوری است که:

دنیای امروز به طور سرسام آوری رو به تحول و دگرگونی است و رسانه های گوناگون اعم از کتاب، نشریات، نوارهای ضبط صوت، لوح های فشرده، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت، با توان کم نظیری عصر حاضر را تحت سیطره خود قرار داده و با سرعتی که پیش می رود؛ احتمال محو فرهنگ ها را در پی دارد؛ لذا اگر دارندگان

فرهنگ و تمدن های اصیل، از این امر غفلت ورزند؛ باید منتظر خسارت های معنوی آن باشند.

مطالعه تاریخ به خوبی نشان می دهد، که بسیاری از ملت ها، در اثر همین کم توجهی، فرهنگ و تمدن خود را از دست داده اند و برای شناخت گذشته خود- خوب یا بد- ناچارند، با هزاران زحمت و درbozgi، با استفاده از باستان شناسان، به گوشه ای ناچیز، آن هم، با شک و تردید به تاریخ خود دست یابند.

ناگفته پیداست که، ملت ها و اقوامی که با فرهنگ خود، زندگی می کنند زنده می مانند، به یقین ملتی که تاریخ و فرهنگ ندارد، یا تاریخ خود را از دست داده یا مرده و یا خودکشی کرده است.

ملتی زنده است که، با تاریخ خویش زندگی می کند و اگر تاریخ و فرهنگ خود را به طاقچه نسیان و فراموشی بسپرد، یک زندگی عاریتی دارد و زندگی عاریتی دوام و بقایی ندارد و صاحبان این نوع زندگی، دلبستگی چندانی به آن ندارند و به عبارت روشن تر- بادآورده را باد می برد- بی ثباتی در فرهنگ، زمینه پذیرش هر فرهنگی را در جوامع بشری فراهم می نماید و با این آمادگی، قدرت های استعماری، می توانند به آسانی بر گرده هر ملتی سوار شده و او را تحت سیطره و استثمار خود قرار دهند، چون او دیگر خودش نیست، دیگری است با شناسنامه ملی، این وضعیت، این عبارت زیبا را به یاد می آورد: «مَن

تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ لَهُمْ» هر ملیت خود را به قومی تشبیه کند، از آن طایفه به حساب می آید!

شاید با این بیان کوتاه، به وجدان های آگاهی این تکان داده شود؛ که خود کم بینی یک مرض روانی است، که ممکن است ملتی بدان دچار شود و همیشه/ مرغ همسایه را غاز/ تصور کند و با این شیفتگی دلباخته افکار و اندیشه غیرخودی گردد.

ناسیونالیسم فرهنگ

خواننده محترم ممکن است بعد از مطالعه چند بند بالا، چنین تصور کند، که نویسندگان این مجموعه با طرز تفکر الحادی ناسیونالیسم به قضیه نگرسته و بدان اعتقاد دارند، لذا حفظ فرهنگی بومی و ملی را دلیل بر این شیوه ابواز کند.

حفظ ذخائر فرهنگی و مطالعه در کیف و کم آن و حک و اصلاح زشتی و یا زیبایی های آن، هیچ گونه ربطی به موضوع فوق ندارد و گذشته از آن، حفظ و حراست از دارایی های ملی و معنوی، هیچ مانعی در برابر به دست آوردن منابع فرهنگی مفید ایجاد نمی کند.

با تحلیلی که در مورد زبان مطالعه خواهید فرمود؛ به پاسخ پرسش خود خواهد رسید.

زبان شناسی علم نوینی است، که اخیراً در مورد زبان و تکلم به طور عام، با روش های علمی به تحقیق پرداخته و تعریف جدیدی از

زبان به اهل علم و علاقه مندان به این دانش، ارائه نموده است و در تعریفی که از / زبان / داده اند، دیده اهل پژوهش را تغییر داده است.

توان ضرب المثل سازی زبان خوزی

ضرب المثل های جدول زیر از کتاب معادلات ادبی تألیف محمد حسن عرب انتخاب شده

۱- رِب هَمَر خُوش. Ra be hamra xova ša
~ معادل:

۱- با رفیقان سفر مقر باشد بی رفیقان سفر سقر باشد
(سنایی)
۲- چرا همراه بد جستی و بد خواه تو نشیدی که همراه هست و،
پس راه

۲- ریز بین درشت ول کُن. rēz bin - e - dorošt velkon.
ترجمه- ریز بین است ولی موضوعات را درک نمی کند، کنایه از این که در موارد کم اهمیت سختگیر، ولی از موارد مهم غافل است.

توان واژه سازی زبان خوزی

نظر به این که، زبان خوزی، یکی از شاخه های اصلی زبان دری است؛ مانند همین زبان که زبانی است پیوندی، توان ترکیب با پیشوند، میانوند و پسوند و هم چنین با اسم، صفت، قید و ... را دارد و با این

ترتیب می توان واژه های نو و مورد نیاز را ساخت. به نمونه هایی در زیر اشاره می شود:

۱- عدد + ریشه فعل = اسم مرکب

do-gam

دو / ۲ / + گم = دو گم / نیم خورده /

۲- اسم + صفت = اسم مرکب

دل + گران = دلگران / آزرده خاطر /

۳- اسم + میانوند + اسم = اسم مرکب

أ (آب) به (میانوند) + أ (آب) = أ به أ (حالت کسالتی که در

اثر تغییر مکان، به مسافر دست می دهد).

۴- ریشه فعل + پسوند / ه = صفت مفعولی

بزیند + ه = بزینده / برگزیده، انتخاب شده /

۵- اسم + ی (اسم مصدری) = اسم مصدر

مزیر (شاگرد) + ی نسبت = مزیری (شاگردی)

۶- قید + اسم = اسم مرکب

مین (قید) + نون (نان) = مین نون (خوراک) غذا (می نون)

۷- اسم + صفت + ک (حرف تصغیر) = اسم مرکب

شو (شب) + کور (صفت) + ک (حرف تصغیر) = شوکورک (

خفاش)

مقدمه

امروز، موضوع دهکده جهانی، مسأله ای است که، روی آن زیاد تبلیغ می شود. پرستی که در این باره به نظر می رسد، این است؛ غرض از دهکده جهانی چیست و چرا دنیای غرب، به تبلیغ و جا انداختن آن در اذهان مردم جهان اصرار دارد؟

برای پاسخ به این سؤال، تا ما معنی دهکده را ندانیم، مفهوم دهکده جهانی را نخواهیم شناخت.

مرحوم علامه دهخدا، در لغت نامه خود، ده/ را چنین معنی نموده است:

ده یا، قریه و با (یاء)، نیز به صورت دیه آمده. (ازغیاث). دیه (در تداول مردم قزوین) و در کتب نثر قدیم، صورت دیه بیشتر آمده است. [ده] واحد کوچکی از محل سکنای جوامع، که واحد بزرگتر آن شهر و متوسط آن شهرک، یا قصبه است.

با توجه به معنی ده یا قریه، ده واحد کوچکی از محل سکنای جوامع انسانی است. بسیار روشن است که، در یک واحد محدود مسکونی، هر اتفاق کوچکی رخ دهد؛ بی فاصله زمانی، تمام اهالی روستا خبر دار می شوند و اگر آن حادثه خیر یا شر باشد، اهالی در آن شرکت می کنند و این یکی از خواص و ویژگی های محل های محدود است.

از سوی دیگر، دنیای امروز مادر اثر پیش رفت رسانه های بسیار قوی، اعم از نشریات، رادیو، تلویزیون، تلفن، ماهواره؛ و اینترنت، اگر حادثه کوچکی در اقصی نقاط دنیا رخ دهد؛ با سرعتی باور نکردنی، به گوش مردم دنیا، در دورترین نقطه جهان خواهد رسید، از این رو می توان دنیای فعلی را یک دهکده با پسوند جهانی تلقی کرد.

نکته دیگری که می تواند، در این موضوع جلب توجه کند؛ این است که معمولاً مردم هر ده، یا روستا دارای عرف، عادت، زبان و رسوم یکسان هستند، همین آداب مشترک آنان را به ترو بیش تر به هم پیوند می زند و بین آنان ایجاد وحدت و یکدلی می نماید.

پرسش دیگری که در این جا مطرح است؛ این است، که آیا طراحان دهکده جهانی می خواهند، دنیا را به شکل یک دهکده در بیاورند و خود کدخدایی آن را به عهده بگیرند و آداب و رسوم این دهکده جهانی را به وسیله رسانه های قوی که در دست دارند، اعم از خوراک، پوشاک، عرف، عادت و حتی زبان مردم دنیا را آنان تعیین کنند، یا به عبارت روشن تر، بناست با این طرح، دست به یک کودتای اخلاقی و فرهنگی علیه کلیه ملت ها بزنند و مبارزه ای اعلام نشده و خائمانسوز علیه مردم دنیا به راه بیندازند.

اگر چنین اندیشه شومی در سر پیوررانند؛ باید فاتحه کلیه آثار تمدنی دنیا را خواند و منتظر طرح های موزیانه آنان بنشینیم.

دنیای به اصطلاح متمدن امروز، با طرح زبان علمی، سعی داشته و دارد، که زبان فرانسه و انگلیسی را در جهان تعمیم دهد، تا سایر ملل، زبان های خود را زبانی نارسا و غیرعلمی تلقی نموده و یکی از این دو زبان را جانشین زبان ملی خود نمایند، چنان که در الجزایر زبان فرانسوی و در هندوستان زبان انگلیسی حکم زبان اول را دارد.

روی همین مسأله است، که می گویم گویش ها باید بمانند، که نشان دهند مردمی با فرهنگی خاص، وجود داشته و دارای آداب و رسومی بوده اند.

زبان فارسی یکی از زبان های زنده و توانمند دنیاست، که گستردگی قابل توجهی در کشورهای همسایه دارد.

این زبان مانند درختی تنومند است، که ساقه آن دارای گش و لژگ های (شاخه) متعدد است نظیر: خوزی، لری، گیلکی، سمنانی، خراسانی و... این شاخه ها باید حفظ و نگهداری شوند، زیرا هر کدام از این گویش ها، دارای مضامینی عالی، اعم از شعر، ضرب المثل، طنز، پند و اندرز، اصطلاحات، کنایات و ایماها، اشارات، مبهمات، تشبیهات، استعارات بی بدیلی هستند، که اگر از آن ها چشم پوشی نماییم، ضرر غیر قابل جبرانی به فرهنگ غنی کشورمان زده ایم.

به نظر می رسد، یکی از راه های غنی سازی زبان فارسی، توجه دقیق به گویش های محلی این زبان است، بدین معنی که، واژه هایی، که از نظر تلفظ آسان و از نظر شنیدن، گوش نواز و معادل فارسی

ندارند، در زبان رسمی و کتب درسی و نشریات وارد شوند، تا هم گویش حفظ شود و هم زبان رسمی غنی گردد، چنان که، همین کار را مرحوم دکتر معین، با همکاری مرحوم سید محمدعلی امام، عضو فقید مؤسسه فرهنگی دزفول شناسی؛ در دورانی که وی از دانشجویان آن استاد بود؛ در مورد زبان خوزی-دزفولی-انجام داد و واژه های مذکور را در فرهنگ فارسی خود وارد نمود.

به هر حال مؤسسه فرهنگی دزفول شناسی، که در دهه گذشته، چنین خطری را احساس می نمود، به همین منظور تأسیس شد، تا با همیاری فرهیختگان، در حفظ و حراست فرهنگ بومی بپردازد، که به شکرانه خدای سبحان، توفیقاتی داشته و بیش از چهل کتاب در مورد شناخت این کهن جای منتشر نموده، که آخرین آن ها، تألیف کتاب حاضر است، که به نام فرهنگ واژگان بی معادل گویش دزفولی، به دستداران ادب پارسی تقدیم می شود.

مؤلفین مجموعه ی حاضر، وظیفه خود می دانند، با نهایت ادب و احترام، از کلیه برادران و خواهرانی که، بی ریا، ما را یاری و مساعدت نموده اند، تشکر و قدردانی نمایند.

دستور زبان دزفولی

کاربرد نکات دستوری در گویش دزفولی - تابع ویژگی های خاصی است و علایم دستوری در این گویش، با زبان فارسی تفاوت های قابل توجهی دارد. مثلاً نشانه های مصدری که در دستور زبان فارسی به صورت (ـن) مثل رفتن - دیدن و ...، در گویش دزفولی به صورت (ـسن) در افعال لازم (ناگذر) و (یدن) و (ـنیدن) در افعال متعدی (گذرا) به کار می رود؛ همین طور نشانه های جمع مفعول، ضمائر شخصی و اشاره، ...

در اینجا به ذکر برخی از نکات دستور گویش دزفولی اشاره می شود:

-علائم جمع:

۱- علامت جمع جان دار (ون): زنون، میرون، اسبون، مرغون و ...

۲- علامت جمع بی جان (۱): کتابا، خونا، میزا، میوا و ...

۳- علامت (۱) گاهی برای جمع جان دار هم به کار می رود: اسبا،

مرغا و ...

-نشانه های مفعولی

۱- اگر مفعول مفرد باشد، در آخر (فتحه = ـَ) می گیرد: مثال:

کتابَ بیار، مَنَ بین، درگَش

- ۲- اگر مفعول جمع با (ون) باشد، آخر آن فتحه می گیرد: اسبونْ
اوده، مرغونْ گیر و ...
- ۳- اگر مفعول جمع با (ا) باشد، به آخر آن (ن) اضافه می شود.
کتابانْ خریدی؟

- ۴- اگر مفعول مفرد و مختوم به های غیر محفوظ (در گویش
دزفولی، های غیر محفوظ را با ـ نشان می دهند) باشد، حرف (ن) به
آخر مفعول اضافه شود: خونه نْ خریدم - گیوه نْ پوش
- ۵- هرگاه (را) مفعولی به معنی (به) اضافه بیاید، تبدیل به (ـ)
در آخر کلمه می شود، همچنین اگر (را) به معنی (از) بیاید باز هم
تبدیل به (ـ) می شود.
- مثال: احمد را بگو = احمدْ گو،

از حسن پیرس = حسنْ پیرس

- نشانه های مصدری

- ۱- اگر مصدر فعل لازم (ناگذر) باشد معمولاً به (ـ سن) ختم
می شود. پیرسنْ (پريدن)، درسِنْ (پاره شدن)
- ۲- اگر مصدر فعل متعدی (گذرا) باشد معمولاً به (ـ ایدن) یا (ـ
یندن) ختم می شود. مثل خفتونیدن = خواباندن، گلنیدن = روشن
کردن، انجنیدن = ریزکردن و ...

فعل امر

- ۱- معمولاً بدون (ب) ادا می شود: رو، گو، بین، نشین.

۲- در میان برخی از مردم فعل امر بدون (ب) و مختوم به (اد)
یا (ات) می شود.

(نشیناد - نشینات) (روات، رواد)

۳- گاهی حرف (د) برای تأکید بر سر فعل امر می آید دِ رو، دِ
نشین و ...
فعل ماضی:

۱- ماضی نقلی: فعل ماضی ساده است که حرف آخر آن (فته)
می گیرد (رفتَم = رفته ام)

۲- فعل ماضی بعید: به جای فعل (بود) در فارسی، (بید) اضافه
می شود: ماضی التزامی + بید + شناسه
رفته بیدم - رفته بیدی - رفته بید و گاهی ماضی ساده + شناسه +
بید = رفتَم بید

۳- ماضی التزامی: به جای (باش)، (بو) اضافه می شود. رفته
بوم، رفته بوی و ...

۴- ماضی استمراری: به جای (می)، (ب) می گیرد: برفتَم -
برفتی و ...

۵- ماضی مطلق، تفاوتی با فارسی ندارد به جز دوم شخص و سوم
شخص جمع که در آخر (د) ندارد. رفتیم - رفتی - رفتن

۶- مضارع اخباری، به جای (می)، (ب) می گیرد. بروم - بروی

-علامات تصغیر

- ۱- لوزه: دیگلولزه: دیگ کوچک
 - ۲- وُل: گگول = برادر کوچک، مشکول = مشک کوچک
 - ۳- ک: رفک (طاقچه کوچک)، بَک: قورباغه کوچک
 - ۴- یله: بزیله (بز کوچک) حوضیله: حوض کوچک - حوضوله
- هم گفته می شود.
- کلمه هایی که به (آب یا - ب) ختم می شوند به صورت (اُو) ادا می شوند.
- (خواب = خُو)، (تَب = تُو)
- حروف اضافه: ا = از، وا = و - پی = با = همراه
- ضمایر:

- ۱- ضمایر شخصی مفرد

جمع	مفرد
اُمون	مُ
شُمون	تُ
اوشون (ایشون)	او
- ۲- ضمایر اشاره

جمع	مفرد
هِنون	ایان (ایان)
هُون	اُوان
- ۳- ضمایر اشاره همراه با فعل ربطی

جمع	مفرد
-----	------

نزدیک: هِنَاس (اینجاست - این است) هِنَان (اینجا هستند، این ها هستند)

دور: هُنَاس (آنجاست - آن است) هُنَان (آن جا هستند، آن ها هستند)

-ضمایر پرسشی:

کونه kune: کجاست

کوان kūvana: کدامیک

کون یک kun-yak: کدام یک

کویکی ku-yekē: کدام یکی

کون مون: kūn-mūn: کدام یک از ما

کون تون: kūn-tūn: کدام یک از شما

کون شون: kūn-šūn: کدام یک از آن ها

کون لا: kūn-Lā: کدام طرف

ا کولا: a-kūLā: از کدام طرف

-قیدها:

۱- قید زمان: ایسون (حالا) اوسون (آن وقت، بعداً) هی (همیشه)

سُبا = (فردا) دوشکک (دیروز) دوشو (دیشب)

۲- قید پرسش: ا چه: (چرا) سی چه: (برای چه)

کولا (کدام طرف)

کون لا (کدام طرف)

۳- قید مکان: اینجون (اینجا)، اونجون (آنجا)، ایلا (این طرف)،

اولا (آن طرف)

۴- قید تأکید: وا (باید)، اَلَن (حتماً)

۵- قید نفی: نوا (نباید)، آتَه (هرگز)

صفات برتر: بختر (بهتر)، بتر (بدتر)

تِرک (اولاً ترک) آن طرف تر

علائم قراردادی و آوایی فارسی و لاتین

حروف مصوّت (صدادار) مثال

ābād آباد

ā = آ

abr آبر

a = ا

esm اسم

e = اِ

ojāq آجاق

o = اُ

ō (اب)

ō = او

u (وی)

u = او، کوتاه

zūr زور

ū = او، کشیده

māhi ماهی

i = ای (کوتاه)

ēvallā ای وِلا

ē = ای (کشیده)

حروف صامت (بی صدا)

$\gamma = \text{غ}$

$x = \text{خ}$

$b = \text{ب}$

$d = \text{د}$

$p = \text{پ}$

$h = \text{ه}$

$y = \text{ی}$

$r = \text{ر}$

$q = \text{ق}$

$z = \begin{cases} \text{ذ} \\ \text{ض} \\ \text{ز} \\ \text{ظ} \end{cases}$

$t = \begin{cases} \text{ت} \\ \text{ط} \end{cases}$

$f = \text{ف}$

$k = \text{ک}$

$s = \begin{cases} \text{ث} \\ \text{س} \\ \text{ص} \end{cases}$

$g = \text{گ}$

$\check{z} = \text{ژ}$

$L = \text{ل}$

$\check{s} = \text{ش}$

$j = \text{ج}$

$n = \text{ن}$

$\grave{a} = \text{ع}$

$\check{c} = \text{چ}$

$v = \text{و}$

$\grave{e} = \text{ع}$

$\hat{h} = \text{ح}$

$\acute{o} = \text{غ}$

«سخن دل»

پدید آورندگان این اثر، ادعا ندارند که کارشان کاستی و نارسایی ندارد بلکه این کار را در حد توان اطلاعاتی و پژوهش در مآخذ و منابع گوناگون موجود همچنین پرسش از افراد نسبتاً آگاه زمان حاضر انجام داده اند و نظر به اینکه منابع گویش دزفولی که تاکنون از گذشتگان باقی مانده و بعضاً به چاپ رسیده است به گذشته های دور بر نمی گردند، مولفین نسبت به یک دوره محدود زمانی شاید در حدود صد یا صد و پنجاه سال گذشته، مجموعه حاضر را تهیه نموده اند و آن را به عنوان کلیدی برای گشایش اطلاعات فرهنگی و گویش دزفولی آغاز کرده و ادامه آن را به عهده آیندگان و علاقه مندان به این موضوع واگذار می نمایند و انتظار می رود که دوستان ارجمند و صاحب نظران فرهنگ و ادب، ضمن چشم پوشی از اشکالات ناخواسته، مولفان را در رفع آن ها در چاپ بعدی یاری نمایند. جهت اطلاع از چگونگی بازی ها و غذاهای محلی که در این مجموعه آمده است به کتاب های بازی های دزفولی از آقای عظیم محمود زاده و آشپزی روناش از خانم فروغ السادات نقیعی رکنی مراجعه شود. در پایان از همه کسانی که ما را در این مجموعه یاری نموده اند سپاسگزاری می شود.

محمد حسن عرب - محمد مهدی انصاری - غلامرضا فرج اله

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ مطابق با ۲۷ رجب ۱۴۳۶ مصادف با بعث پیامبر اکرم (ص)^{*}

محمد مهدی انصاری: ۰۹۱۶۶۴۳۸۵۸۸

محمد حسن عرب: ۰۹۱۶۳۴۳۲۸۸۸

غلامرضا فرج اله ۰۹۱۶۳۴۵۱۶۳۰